



ظرفیت تمدن‌سازی اسلام ذیل توجه به وحدت اجتماعی

در اسلام برخلاف سایر نحله‌های فکری، رهبانیت و عزلت جایگاهی ندارد و رسالت مسلمان علاوه بر عبادات فردی، در انواع فعالیت‌های اجتماعی از جمله حفظ یکپارچگی اجتماعی تعریف شده است که این نگرش از مظاهر ظرفیت اسلام در تمدن‌سازی و هویت‌بخشی جمعی است.

در اسلام برخلاف سایر نحله‌های فکری، رهبانیت و عزلت جایگاهی ندارد و رسالت مسلمان علاوه بر عبادات فردی، در انواع فعالیت‌های اجتماعی از جمله حفظ یکپارچگی اجتماعی تعریف شده است که این نگرش از مظاهر ظرفیت اسلام در تمدن‌سازی و هویت‌بخشی جمعی است.

قرآن کریم تمام انسان‌ها را يك امت واحد می‌داند و بین نژادهای مختلف هیچ مزیتی قرار نمی‌دهد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید خداوند دانای آگاه است» (حجرات/13).

براساس این آیه شریفه و خطبه پیامبر در روز فتح مکه، تمامی انسان‌ها امت واحده‌ای هستند و تمایزی میان آزادمرد قریشی و غلام حبشی نیست و چون تمایزی نیست، پس همه انسان‌ها باید مانند یکدیگر از جامعه بهره ببرند و جمعی برتر از جمع دیگر نباشند. در روایتی آمده که اصحاب رسول خدا(ص) در مسجد جمع بودند که ناگهان شخص فقیری نیز وارد این جمع شد و در کنار شخص متمولی نشست و ناگاه آن شخص متمول لباس‌های خود را جابه‌جا کرد و از او فاصله گرفت.

رسول خدا(ص) به محض اینکه این واقعه را مشاهده کرد، خطاب به آن متمول فرمود: ترسیدی از فقر او به تو چیزی سرایت کند؟ عرض کرد: خیر یا رسول الله(ص). رسول الله(ص) دوباره فرمودند: آیا ترسیدی لباس‌هایت آلوده شوند؟ تا سخن پیامبر به اینجا رسید، آن شخص گفت: من حاضرم نیمی از اموالم را به این برادر فقیر بدهم. پیامبر(ص) به شخص فقیر فرمود آیا ثروت این فرد را می‌خواهی؟ شخص فقیر گفت: خیر، زیرا می‌ترسم من با ثروتمند شدن با فقرا مثل این مرد برخورد کنم.

این روایت نشان می‌دهد که رویکرد تربیتی پیامبر(ص) چنان بود که اصحاب نسبت به یکدیگر احساس علو نکنند. قرآن کریم نیز بهشت را سرای افرادی می‌داند که در زمین برتری‌جویی نکنند: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است» (قصص/83).

در تاریخ نمونه‌هایی از توبیخ شدن اصحاب ائمه اطهار(ع) نیز وجود دارد. نمود این ماجرا در نامه امیرالمومنین(ع) به والی خود عثمان بن حنیف است که به ایشان خبر داده بودند که عثمان بن حنیف به مهمانی رفته است که در آن فقط ثروتمندان دعوت بوده‌اند و فقرا را دعوت نکرده‌اند. حضرت امیر(ع) عثمان را شدیداً توبیخ می‌کند و بعد از عتاب فراوان می‌فرماید: شما مانند من نمی‌توانید زندگی کنید ولی مرا با عفت خود یاری کنید.

این روایات تاریخی ژست سیاسی نیست، بلکه نشانگر يك‌پارچه و واحد دانستن امت اسلام است. این یکپارچه دانستن امت اسلامی به قدری مهم است که پیامبرگرامی اسلام(ص) در این باره می‌فرمایند: «من أصبح و لم يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم؛

هرکس شب را به صبح برساند، در حالی که از حال مسلمانان دیگر خبر نداشته باشد، اصلاً مسلمان نیست؛ یعنی بی‌اعتنایی در امور امت اسلامی مساوی با خارج شدن از دایره اسلام است.

اسلام قرن‌ها پیش از مدعیان دروغین حقوق بشر به فکر بشریت بوده است. گاه برخی از اصحاب پیامبر(ص) با دیدن مستمندی از سفر حج خود می‌گذشتند و به آن مستمند کمک می‌کردند و این نمونه تمام‌عیار احترام به حقوق بشر است که تنها نباید به فکر خود بود، بلکه باید به همسایه نیز توجه کرد.

امیرالمومنین(ع) در وصیت خود به امام حسن و امام حسین(ع) می‌فرماید: «وَاللّٰهُ فِي جِيرَانِكُمْ، فَإِنَّهُمْ وَصِيَّةُ نَبِيِّكُمْ مَا زَالَ يُوصِي بِهِمْ حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورِثُهُمْ؛ خدا را، خدا را، درباره همسایگان! همسایگان سفارش شده پیامبرتان(ص) هستند. رسول‌الله(ص) همواره درباره آنان سفارش می‌کرد، به گونه‌ای که گمان بردیم که برایشان میراث معین خواهد کرد» (نهج البلاغه، نامه 47).

توجه به مشکلات همسایه و هم‌کیش که در فرمایش پیامبر(ص) آمده است، به معنای یکپارچه بودن امت اسلام است و نشان‌گر آن است که در اسلام طبقه‌ای بر طبقه دیگر امتیازی ندارد. برخلاف سایر ادیان که عموماً قشر روحانیون بر سایر اقشار امتیاز دارند، در دین اسلام اگر پسر پیامبر هم باشی، این امر بالاستقلال برتری محسوب نمی‌شود و باید برای آخرتت به فکر زاد و توشه باشی.

آنچنان که پیامبر(ص) به دخترش می‌فرماید: «يَا فَاطِمَةُ اَعْمَلِي بِنَفْسِكَ اَنْتِ لِاَعْنِي عَنْكَ شَيْئًا؛ ای دخترم برای خودت کار کن که قرابت من به درد تو نمی‌خورد». این مکتب تربیتی اسلام اصیل است که در آن بین بلال حبشی و سایر اصحاب عرب پیامبر(ص) فرقی نیست و هردو در پیشگاه الهی یکسان هستند. در اسلام، علی(ع) به عنوان حاکم و خلیفه وقت، در مقابل قاضی در محکمه می‌نشیند تا قاضی بین او و یک فرد یهودی حکم کند.

در تعالیم اسلام آمده است که همان‌طور که زن مسلمان در امنیت است، افراد غیرمسلمان نیز باید در امان باشند. شاهد این مطلب را در خطبه جهاد امیرالمومنین(ع) باید یافت که می‌فرماید: «لَقَدْ بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ، وَالْآخَرَى الْمُعَاهِدَةِ فَيَنْتَزِعُ حُلَّهَا وَقَلْبَهَا وَقِلَافَهَا، وَرَعَائِهَا مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْأَسْتِزْجَاعِ وَالْأَسْتِزْجَامِ ثُمَّ انْصَرَفُوا وَافْرِينَ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلِمٌ وَلَا أُرِيقَ لَهُمْ دَمٌ، فَلَوْ أَنَّ امْرَأَةً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهَ لَوْماً، بَلْ كَانَ بِهَ عُنْدِي جَدِيرًا؛ به من خبر رسیده که یکی از آنان به خانه زن مسلمان و زن غیرمسلمانی که در پناه اسلام جان و مالش محفوظ بوده، وارد شده و خلخال و دستبند، گردن‌بند و گوشواره‌های آنها را از تن‌شان بیرون آورده است... در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع جز گریه و التماس کردن نداشته‌اند. آنها با غنیمت فراوان برگشته‌اند، بدون اینکه حتی یک نفر از آنها زخمی گردد یا قطره‌ای خون از آنها ریخته شود. اگر به خاطر این حادثه مسلمانی از روی تاسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار و بجا است!» (نهج البلاغه، خطبه 27).

اسلام دینی جامع و یکپارچه در تمام زمینه‌ها است و آیات و روایات فوق نشان‌دهنده آن است که اسلام همان‌طور که در بعد شخصی احکامی دارد، در ابعاد اجتماعی مانند برخورد با همسایه و حقوق اقلیت‌های مذهبی نیز برنامه دارد. به طور کلی اسلام آن‌چنان در این مسائل جدی برخورد می‌کند که گاهی قبولی ابعاد شخصی اسلام نیز منوط به همان اعمال اجتماعی است. در اسلام به جمعی بودن برخی عبادات تاکید فراوان شده است که شاید جهت آن خبردار شدن افراد از احوال یکدیگر باشد.

باید گفت که در اسلام برخلاف سایر نحله‌های فکری، رهبانیت و عزلت هیچ معنی ندارد و یک مسلمان باید جامع‌بنگرد و جامع‌عمل کند و رسالت او همین ترویج مسائل اجتماعی دین در کنار عبادات فردی است. این نوع نگرش وجه تمایز اسلام از سایر ادیان و نحل

است و از مظاهر ظرفیت اسلام در تمدن‌سازی و هویت‌بخشی جمعی است؛ هویتی که بر اساس برادری و برابری اجتماعی، میان آحاد جامعه انسجام و یکپارچگی مناسبی ایجاد می‌کند و از این رهگذر می‌تواند آثار تمدنی بی‌بدیلی را پدید آورد.

سجاد رضائی